



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده هنرهای تجسمی

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد

رشته عکاسی

عنوان :

روند شکل‌گیری هویت اجتماعی مردم کرمان بر اساس عکس-

های عکاسخانه‌ای دوره‌ی پهلوی دوم

استاد راهنما:

فرهاد سلیمانی

عنوان پروژه عملی:

چیدمانی از عکس‌های عکاسخانه‌ای کرمان

استاد راهنمای بخش عملی:

فرهاد سلیمانی

استاد مشاور:

پریسا دمندان

نگارش و تمقیق:

مریم علیزاده حتکنی

بهمن ۱۳۹۱

به صبوری مادرم

و

مهربانی پدرم

پیشگفتار

در پی فعالیت عکاسی چندساله‌ای که در فضای عکاسخانه‌ای شهر خود، زرنند تجربه می‌کردم، تصمیم به مطالعه بر نگاتیوهای عکاسخانه‌ای کرمان، به منظور آشنایی با چگونه بودن کرمانیان قدیم، نمودم. به مدت ۲ سال مطالعه لذت‌بخش و زندگی با این عکس‌ها، حس نزدیکی فراوانی به تمامی افراد حاضر در عکس داشتم؛ آن‌چنان که سعی داشتم خود و خانواده خود را در تصاویر بازیابم. مطالعه و زندگی با این نگاتیوها و در جایی شیشه‌هایی که مرا به وجد آوردند، مدیون عزیزانی می‌دانم که آرشیو ارزشمند پدران خود را، با کمال اعتماد در اختیارم گذاردند؛ آقای همایون گلشن؛ آقای امید آذرنوش و آقای مسعود نکویی. صمیمانه از این عزیزان سپاسگزارم. همچنین سپاسگزارم از:

آقای مجید مجیدی، مسئول محترم انجمن سینمای کرمان
آقای پژمان زنده‌نوش، کارمند محترم موزه و آتشکده زرتشتیان کرمان
آقای محسن پورموسی، مسئول محترم موزه مطبوعات کرمان
خانم اعظم علیخانی، کارمند محترم مرکز اسناد کرمان
آقای جواد نعیمی، مسئول محترم بخش آرشیو مجلات کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
و با سپاس فراوان از همکاران محترم بخش آرشیو مجلات دانشگاه هنر و اساتید بزرگوار جناب آقای چنعانی و سرکار خانم پریسا دمندان و دیگر اساتید عزیزم در دانشگاه هنر و دانشکده هنرهای زیبا.

امید دارم بتوانم لطف این عزیزان را جبران کنم.
در پایان بی‌نهایت سپاسگزارم از خانواده‌ام و استاد عزیزم جناب آقای فرهاد سلیمانی.

با امید و اعتماد

مریم. بهمن‌ماه ۱۳۹۱ ه.ش



دانشگاه هنر
دانشکده هنرهای تجسمی
چکیده پایان نامه

عنوان پایان نامه: روند شکل گیری هویت اجتماعی مردم کرمان بر اساس عکس های عکاسخانه ای

دوره پهلوی دوم

استاد راهنما: آقای فرهاد سلیمانی

استاد مشاور: خانم پریسا دمندان

نام دانشجو: مریم علیزاده حتکنی

شماره دانشجویی: ۸۹۱۲۳۶۵۱۱۷

رشته: عکاسی

چکیده:

عکاسی تا قبل از دوره ی پهلوی، به صورت عمدۀ در اختیار دربار بود، با ورود کالاهای جدید مصرفی و تمایل به غرب گرایی در دوره ی پهلوی، تغییرات مهم در مسیر زندگی اجتماعی-فرهنگی ایرانیان شکل می گیرد. در این دوره عکاسی، به شیوه ی عکاسخانه ای به منظور عکس دار کردن سبک احوال بین مردم فراگیر شد. تا اواخر دوران سلطنت رضاشاه اعمال سانسور و محدودیت در عکاسی و فیلمبرداری ادامه داشت، اما با ورود محمدرضا شاه عکس ها به صورتی کاملاً آزادانه در مطبوعات به چاپ می رسید متقابلاً تأثیر گذاری بر سلیقه ی عامه در عکاسی را به همراه داشت. شروع این تأثیرگذاری را در تهران- پایتخت - و ادامه روند آن را در سایر شهرستان ها من جمله کرمان شاهدیم. این پژوهش با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی سعی در درک و قبول این مسأله دارد که تحولات اجتماعی، تاریخی و فرهنگی در دوران تجددگرایی بر تغییرات ظاهری اشخاص و ویژگی های فردی آن ها موثر بوده است.

واژگان کلیدی: اجتماع، دوره ی پهلوی، عکاسخانه، فرهنگ، هویت، کرمان

تاریخ

امضاء

الف	چکیده
ب	فهرست مطالب
د	پیشگفتار
	فصل اول: مقدمه
۱	کلیات تحقیق

فصل دوم: چیستی هویت

۹	۲-۱- مفهوم هویت از دیدگاه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی
۱۱	۲-۲- تشخیص، مهم‌ترین شرط هویت مندی
۱۳	۲-۳- نقش عوامل اجتماعی در شکل‌گیری هویت شهر

فصل سوم: تحولات عکاسی ایران از دوره قاجار تا پایان دوره پهلوی دوم

۱۷	۳-۱- شروع عکاسی مردمی
۲۱	۳-۲- عکس در مقام تبلیغات اجتماعی
۲۸	۳-۳- جایگاه عکاسی در دوران پهلوی دوم

فصل چهارم: تحولات اجتماعی زنان از دوره قاجار تا پایان دوره پهلوی دوم

۴۷	۴-۱- چگونگی بازنمایی زنان در عهد قاجار
۵۴	۴-۲- بازتاب زن در تصاویر دوره پهلوی

فصل پنجم: شناخت و معرفی عکس‌های عکاسخانه‌ای کرمان دوره پهلوی دوم

۶۹	۵-۱- بررسی ساختار روزنامه‌های کرمان، دوره پهلوی دوم
۹۴	۵-۲- معرفی عکاسخانه‌های مطرح کرمان، دوره پهلوی دوم
۱۱۹	۵-۳- عکس به مثابه سند تاریخی

۱۳۳

۱۳۷

۱۳۹

۱۴۱

منابع و ماخذ

شرحی بر کار عملی

تصاویر پروژه عملی

چکیده انگلیسی

فصل اول: مقدمه

در دوران معاصر، عکاسی عکاسخانه‌ای مورد توجه بسیاری از محققین قرار گرفته؛ تاریخ‌پژوهان و هنرمندان از این ژانر عکاسی در جهت مطالعات و تحقیقات اجتماعی و تاریخی بهره برده‌اند به نحوی که تا پیش از این دوران، عکس‌های ثبت شده در این حوزه به محرومیت تاریخی تن داده‌اند. بازخوانی و بازنگری این گونه عکس‌ها روش‌های متفاوتی را برای فهم تاریخ پدید آورد. امروزه این گونه عکس‌ها به مانند یک سند تاریخی مورد مطالعه قرار می‌گیرند؛ اسنادی که خصوصیات فردی، اجتماعی، لباس، آداب و رسوم یک ملت را در مطالعات مردم‌شناسی و تاریخی نشان می‌دهد. رویکردی برای نگارش تاریخ، برای توجه کردن به علایق و چرایی و چگونگی ثبت شدن مردم عادی در زمانی خاص در مقابل دستگاه عکسبرداری.

کلیات تحقیق

۱-۱ تعریف مساله

عکاسی عکاسخانه‌ای با وجود سادگی و پیش‌پاافتادگی که گاهی بدان اطلاق می‌شود مجموعه‌ای از واقعیت‌های مهم اجتماعی را دربرمی‌گیرد و تناقضات موجود در زندگی روزمره را آشکار می‌سازد. در برخورد با عکس به راحتی دیگر هنرهای بصری نمی‌توانیم تنها بر اساس اصول و مبانی هنرها قضاوت کنیم؛ تفاوت‌هایی که در عکسها و مبانی آنها وجود دارد عمیق‌تر از تفاوت در معانی زیبایی-شناختی است؛ تفاوت در عکس‌ها ریشه در چگونگی درک و دیدگاه هر فرد از زندگی و تاثیرات قراردادهای حاکم بر اجتماع دارد. هر فرد این الگوها را به واسطه‌ی مصرف رسانه‌ها می‌آموزد و در نهایت محدوده‌ی شکل‌گیری یک عکس را رقم می‌زند. محتوای این عکسها ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی یک جامعه را بازتاب می‌دهد. اگر خانواده را به عنوان یک عضو کوچک جامعه قلمداد کنیم؛ الگوهای رفتاری آن متاثر از گروه بزرگتری است که در آن جای گرفته، می‌دانند چه زمانی برای عکاسی مناسب است و از چه چیز و چگونه باید عکس بگیرند.

یک عکس خانوادگی دارای مفهوم عامی است که همه مفهوم پردازی‌ها، تعاریف و روایت‌ها از آن ریشه می‌گیرد و از طرفی دارای ماهیت نسبتاً ناپایدار و سیالی است. تمایل به تکرار و یکنواختی از ویژگی‌های بارز این گونه عکس‌ها می‌باشد. یکنواختی و تکراری که تا حدی در این عکس‌ها بازتاب می‌یابد متاثر از واقعیت‌های زندگی روزمره‌ای است که این واقعیت‌ها مربوط به همگان می‌باشند و تمامی نمادها، گروه‌ها و اقشار از خانواده گرفته تا نمادهای اجتماعی بزرگتر کنش‌گرانی می‌باشند که آن را پدید می‌آورند.

اطلاعات برداشت شده از عکس‌ها، گواهی هستند بر روابط میان فردی و اجتماعی ما، گواهی بر موقعیت‌های ما، همان چیزهایی که چالفن^۱ از آنها با نام کارکرد عضویت‌های فرهنگی یاد می‌کند و بوردیو^۲ آن را به عنوان انگیزش اعتبار اجتماعی مطرح می‌کند که در نهایت هویت و اعتبار اجتماعی و فرهنگی ما را تصدیق می‌کند.

بر این باورم که رسیدن به مفهوم هویت در عکاسی ایران و ارائه تعریفی مشخص از آن تنها با کنکاش و در انداختن پرسش‌های مربوط به چگونگی روند رشد یا پس رفتن این پدیده در ایران، با در نظر گرفتن تمامی جوانب و زمینه‌های مرتبط با جامعه‌شناسی هنر ایرانی و تحلیل سازو کارکردهای عکاسی از نخستین روزهای پیدایش آن در ایران ممکن خواهد بود.

توضیح فصول

در این رساله سعی کردم که در ابتدا تعریفی مشخص از واژه‌ی هویت را ارائه دهم، البته بنابر گستردگی این واژه در علوم فلسفی تنها به موارد مورد نیاز اشاره نموده و در پایان فصل اول به شرح آنچه که به آن؛ عنوان هویت اجتماعی اطلاق می‌شود پرداخته‌ام.

در فصل بعد مروری داریم بر شروع تاریخ عکاسی ایران در دربار قاجار با محوریت مطالب: انحصار عکاسی در خدمت دربار؛ چگونگی شکست این استبداد درباری و روند همگانی شدن عکاسی. در ادامه‌ی آن تغییرات سریع اجتماعی در نتیجه‌ی ورود پهلوی و نتیجه کشف حجاب را در ایرانی متجددگرا را مورد بررسی قرار داده‌ام. با مطرح شدن مسئله‌ی کشف حجاب زنان در دوره‌ی پهلوی، اصلی‌ترین تحول در ایران به وقوع می‌پیوندد، چراکه زنان یک جامعه، اصل و اساس یک اجتماع را می‌سازند و تغییرات ایجاد در فضای اجتماعی و زندگی آنها، پایه و اساس یک جامعه را متحول می‌سازد لذا در فصل سوم موقعیت زنان از دوره قاجار و در ادامه‌ی آن شروع تحولات ایجاد در شرایط زندگی آنها که مقارن است با جنبش مشروطیت و مطرح شدن خواسته‌های زنان در آن دوره و به دنبال آن شروع پهلوی و دادن اختیاراتی به زنان؛ به مقایسه زن در دوره‌ی قاجار و زن در دوره‌ی پهلوی می‌پردازم، سپس با نگاهی به تصاویر و اسناد باقیمانده؛ نحوه‌ی بازنمایی زنان در عهد قاجار و پهلوی را مرور کرده و زمینه‌ی ورود به بحث اصلی را فراهم می‌کنیم.

در فصل چهارم که بخش اصلی این رساله را تشکیل می‌دهد به پشتوانه‌ی فصل‌های ۱ و ۲ و ۳ که به شرح شرایط غالب اجتماعی در ایران پرداخته شده؛ تاثیرات فضای حاکم بر اجتماع را با رجوع به عکسهای عکاسخانه‌ای کرمان با محوریت عکسهای خانوادگی و یادگاری؛ شرح می‌دهم. چنین به نظر

^۱ Ghalfn
^۲ Bourdieu

می‌رسد که: رخ داده‌های به وجود آمده در عکاسی این دوران متأثر از نفوذ مجلات، شروع تجدیدگرایی غربی و قدرت‌های حاکم بر فضای اجتماع می‌باشد. شروع این تغییرات را در تهران- پایتخت - و ادامه روند آن در سایر شهرستانها من جمله کرمان شاهدیم. با مطالعه تصاویر ثبت شده در مجلات کشور که اکثریت آنها بلافاصله پس از چاپ در تهران به شهرستانها فرستاده می‌شد در پی یافتن شباهت‌های ظاهری و تقلیدی عکس‌های عکاسخانه‌ای مردم کرمان، که به واسطه مصرف این رسانه‌ها و الگوهای برداشت شده از آنها شکل گرفتند؛ به توصیف خصوصیات اجتماعی مردم این دیار در این دوره زمانی می‌پردازم. در این فصل آشکارا تاثیر تحولات اجتماعی، تاریخی و فرهنگی در دوران تجدیدگرایی بر تغییرات ظاهری اشخاص و ویژگیهای فردی مردم کرمان، مشاهده می‌شود.

به بیانی دیگر در پی معرفی تاثیرپذیری مردم عادی کرمان به استناد عکسهای عکاسی شده در عکاسخانه‌های کرمان، از تحولات و تغییرات اجتماعی حاکم بر جامعه که نقطه عطف آن را در تهران شاهدیم؛ هستیم. با در نظر گرفتن این واقعیت که بهترین اسناد قابل ارجاع باقیمانده مربوط به آن دوره مجلات و روزنامه‌ها می‌باشند؛ به بررسی و مطالعه این اسناد پرداخته شده است.

۱-۲ فرضیه و یا سؤالات کلیدی تحقیق:

- آیا فضای اجتماعی و فرهنگی حاکم در دوران پهلوی دوم تأثیری بر عکاسی عکاسخانه‌ای کرمان گذارده است؟
- آیا تصاویر ثبت شده در عکاسخانه‌های دوره پهلوی دوم در محدوده‌ی هنرهای زیبا قرار می‌گیرند؟
- آیا عکاسخانه‌های دوره پهلوی دوم باعث شدند که سهمی در نوآوری و خلاقیت در تاریخ عکاسی ایران بوجود آید؟
- الگوهای مورد تقلید در عکاسی عامه پسند چه بود؟

۱-۳ پیشینه تحقیق:

در تاریخ عکاسی معاصر ما از زمان پهلوی و از آن همه عکاسی که در عکاسخانه‌ها فعالیت می‌کردند چندان تحقیقی به عمل نیامده است. به نظر می‌رسد که ما با نسلی که قبل از انقلاب ۵۷ بود قطع رابطه کرده‌ایم.

پژوهشی که از لحاظ زمانی دربرگیرنده‌ی دوره‌ی پهلوی دوم باشد به نسبت از سایر پژوهش‌ها در این زمینه کمیاب‌تر است. در هیچ یک از این متون به گردآوری مجموعه عکس‌های عکاسخانه‌ای شهر کرمان پرداخته نشده است.

تنها منابع در دست (در مورد تاریخ عکاسی کرمان)، وجود یک پایان‌نامه و یک کتاب و تنها یک مقاله در این زمینه به چاپ رسیده است.

افضلی نیز در پژوهشی با عنوان «تاریخچه عکاسی کرمان» به راهنمایی دکتر سیدجواد سلیمی در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه هنرتهران آورده است:

«بررسی تاریخ عکاسی کرمان و پژوهش در احوال عکاسان این شهر، به عنوان جزئی از تاریخ عکاسی ایران، هدف اصلی تحقیق بوده است. سرآغاز عکاسی کرمان را می‌توان در خاندان بزرگ شیخیه کرمان یافت. حاج میرزا حسین که از خویشان حاج محمدکریم‌خان قاجار، سرسلسله شیخیه کرمان است، به قصد چاپ کتاب "ارشادالعلوم" به هندوستان سفر می‌کند و در آنجا با عکاسی آشنا شده و پس از مراجعت در سال ۱۲۶۳ه.ق به عکاسی در کرمان می‌پردازد. پس از او عکاسان بسیاری در این شهر به فعالیت پرداخته‌اند که این پایان‌نامه به شرح حال و آثار آنان می‌پردازد....»

این پژوهش در سال ۱۳۸۷ انجام شده است. نگاهی به پژوهش افضلی نشان می‌دهد که پژوهش-گر در بخش‌های مختلف سعی نموده تا ضمن معرفی عکاسان کرمان از اواخر دوران قاجار تا دوره معاصر، خواننده را با سبک و تکنیک کاری هر عکاس آشنا کرده و زمینه فعالیت آن‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

با وجود این که این رساله کوشش مفیدی است در جهت معرفی عکاسان کرمان؛ اما به معرفی و تجزیه و تحلیل عکس‌های این عکاسان پرداخته و به نظر می‌رسد که رساله مذکور در واقع بیوگرافی عکاسان کرمان را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد و علیرغم محسنات بیشماری که دارد به سیر و تحلیل عکاسی کرمان نمی‌پردازد.

مجید نیک‌پور در پژوهشی با عنوان «عکسهای قدیم کرمان» که مرکز کرمان‌شناسی اقدام به چاپ این پژوهش در قالب کتاب نمود، آورده است:

«عکس‌های قدیم کرمان مجموعه‌ای است مصور شامل ۳۷۵ قطعه عکس، که از مشاهده تصاویر و توضیحات هر کس، می‌توان به گوشه‌هایی از تاریخ، فرهنگ و آداب و رسوم و سیاست و اقتصاد صد سال اخیر این دیار پی برد...»

این پژوهش در سال ۱۳۹۰ انجام شده است. نگاهی اجمالی به این کتاب نشان می‌دهد که نگارنده به گردآوری اجمالی از عکس‌های ثبت شده در تاریخ عکاسی قاجار و پهلوی کرمان پرداخته. در برخی از عکس‌های ارایه شده در این کتاب به معرفی اشخاص حاضر در عکس پرداخته و در جایی دیگر گزارشی تاریخی اجتماعی از تصویر نمایش داده شده را بیان می‌کند.

این پژوهش علیرغم مفید بودن و با ارزش بودن آن، به نقد و بررسی عکس‌های ثبت شده در جایگاه تاریخی‌شان نپرداخته و اکثر این تصاویر فاقد زیرنویس تاریخی و علمی می‌باشند. و در مواردی، تصاویر، گرفتار بیان احساسی و شخصی نویسنده می‌شوند؛ که در این موارد سندی تاریخی و بیان علمی‌ای برای اثبات نظر نویسنده یا بیان نشده و یا وجود خارجی ندارد.

عهدیه اسماعیلی در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی گذرا به تاریخچه عکاسی در کرمان» که در ویژه‌نامه هفته فیلم و عکس انجمن سینمای جوان کرمان با نام «ترنج» چاپ شده است به معرفی چند تن از عکاسان قدیم کرمان می‌پردازد. این پژوهش در سال ۱۳۷۸ انجام شده است.

اما پژوهش‌هایی که به بیان فضای فرهنگی-تاریخی غالب در دوران پهلوی پرداخته، عبارتند از: مترجم زاده (۱۳۸۸)، نگارنده در رساله دکتری خود با عنوان: تحلیل کارکردهای فرهنگی - هنری عکاسی در ایران (۵۰ سال اخیر)، به بررسی کارکردهای فرهنگی- هنری این رسانه در بازه زمانی مطرح - ۱۳۸۰-۱۳۴۰ ه.ش. - می‌پردازد.

شادفر (۱۳۷۵)، نگارنده در رساله کارشناسی خود با عنوان: جایگاه عکاسی در ایران، از دوران حضور عکاسی در ایران (قاجار، مشروطه، پهلوی و انقلاب اسلامی) گزارشی تاریخی، به دست می‌دهد.

اشخاصی که در زمینه عکاسی خانوادگی تحقیق کردند: فروزان پور، سیده ملیکا، (۱۳۹۰). نگارنده در رساله خود با عنوان بررسی تحلیلی ژانر عکاسی خانوادگی با نگاهی به عکس‌های خانوادگی ایرانی؛ به بررسی عکس‌های یادگاری قشر اخیر جامعه می‌پردازد؛ نوع نگاه او به عکسها نگاهی است کاملاً شخصی. نگاهی که نمی‌توان آن را در زمره‌ی واقعیت‌ها و دیدگاه استنادی در عکس‌ها قلمداد نمود.

۴-۱ اهداف کلی و تفصیلی:

رسیدن به مفهوم هویت اجتماعی در عکاسی عکاسخانه‌ای کرمان و ارایه تعریفی مشخص از آن، با به دست دادن چشم‌اندازی از عکاسی عکاسخانه‌ای آن دوره، برای درک و موقعیت یابی بهتر این پدیده از بزرگترین شهرهای ایران .

فصل‌های مختلف این پژوهش به گونه‌ای تدارک دیده شده که؛ با آوردن نمونه‌های مشابه از عکس‌های ثبت شده در عکاسخانه‌های کرمان نقش و جایگاه عکاسی در عرصه‌ها و مواضع تأثیرگذار دوره‌ی مورد نظر را یک‌به‌یک بازگو و مورد تحلیل قرار دهد.

۱-۵ روش تحقیق و شیوه های مورد استفاده:

پژوهشگر با روش توصیفی-تحلیلی سعی نموده تا سیر عکاسی پرتره در دوره‌ی پهلوی دوم را از منظر؛ اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه بررسی نماید.
روش‌های گردآوری اطلاعات:

- مطالعه‌ی کتابخانه‌ای شامل مطالعه‌ی کتاب‌ها، مجلات، روزنامه‌ها و اسناد مربوطه
- گفت و گو و مصاحبه با عکاسان قدیم و یا بازماندگان آن خانواده‌ها
- گذر به عکاسخانه‌های کرمان به منظور مطالعه‌ی تصاویر ثبت شده و یافتن نکات نامکشوف و کمتر پرداخته شده‌ی عکاسی در این زمینه؛ با گردآوری شیشه‌ها، نگاتیوها و تنظیم مدارک و مستندات مربوط به آن.
- یادداشت برداری و کپی برداری - اسکن نگاتیوهای قدیمی - از تصاویر و اسناد

۱-۶ جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و تعداد نمونه‌ها

روش نمونه‌گیری غیر تصادفی و تعداد نمونه‌ها، پس از بررسی و مطالعه ۳۱۰۰۰ نگاتیو عکاسی شده در عکاسخانه‌های مطرح کرمان دوره پهلوی دوم، به گزینش ۱۱۴ عکس از بین آن‌ها برای درج در فصل نهایی پایان‌نامه و ۱۳ تصویر گزینشی از بررسی ۲۵۰۰ تصویر ثبت شده در مجلات پربیننده آن روز ایران، در سایر فصول.

۱-۷ روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق کیفی است.

فصل دوم: چیستی هویت

درخصوص معنی و ریشه واژه هویت، نیکلسون معتقد است که هویت در اصل واژه ای عربی است و از مصدر جعلی « هو » که ضمیر مفرد غایب می باشد، گرفته شده است. درحالی که برخی دیگر معتقدند که کلمه هویت، اصلاً عربی نیست، اما بعضی مترجمان از استعمال آن ناگزیر بوده اند و آن را از حرف « رباط » یعنی حرفی که در زبان عربی دال بر ارتباط محمول به موضوع است، مساق کرده‌اند.

در لغتنامه دهخدا نیز در بیان ریشه و اصل کلمه هویت، لفظ « هو » آورده شده است و « هو » خود « پنهانی مشاهده آن را غیر را درست نیاید، تعریف شده است. هویت اشاره به غایت است و آن درباره خدای تعالی اشاره است به کنه ذات او به اعتبار اسماء و صفات و با شعار به غیبویت آن. هویت گاه بر وجود خارجی اطلاق می شود و گاه بر ماهیت با تشخیص اطلاق می شود که عبارت است از حقیقت جزئی. در بیان معنی هویت به واژه دیگری به نام « تشخیص » نیز اشاره شده است که در واقع به آن به عنوان معادل فارسی هویت نگریسته می شود.

تشخیص: جدایی و ممتاز شدن، تغییر یافتن، انفراد، شخصیت و بزرگی و آنچه بدان چیزی از غیر خود ممتاز شود، چنانچه غیر دیگر در آن چیز مشارک آن نباشد، تعریف شده است. در فرهنگ فارسی معین نیز سه معنی عام و یک معنی خاص (فلسفی) برای واژه هویت ذکر شده است: ۱- ذات باری تعالی ۲- هستی، وجود ۳- آنچه موجب شناسایی باشد (مثل ورقه هویت، شناسنامه).

۴- در فلسفه، هویت به حقیقت جزئی تعریف شده است. یعنی هرگاه ماهیت با تشخیص لحاظ و اعتبار شود، هویت گویند و گاه هویت به معنی وجود خارجی است و مراد تشخیص است و هویت

گاه با بالذات و گاه با بالعرض است. (بهزادپور، ۱۳۸۷: ۱۹)

مفهوم هویت در زبان های لاتین

در زبان های لاتین، واژه هویت را در برابر واژه « Identity » برگزیده اند. این واژه از قرن شانزدهم در زبان انگلیسی کاربرد داشته است و شکل های دیگر آن در سایر زبان های اروپایی از واژه « Identities » در لاتین متأخر گرفته شده است. « Identities » از دو بخش « Iden » به معنای « همان » و « Entities » به معنای « وجود » تشکیل شده است. واژه Identity از زمان پیدایش تا کنون بر پنج معنا دلالت کرده است:

- ۱- کیفیت یا وضعیت « همان » بودن؛ همان مطلق یا وجود یکتایی.
 - ۲- فردیت، شخصیت (از ۱۶۳۸ م) ؛ وجود فردی (از سال ۱۶۸ م).
 - ۳- (در جبر) معادله یا عبارتی که به ازای همه مقادیر متغیرهای خود ثابت باشد.
 - ۴- بازشناخته شدن از نظر احساس، علایق، (از سال ۱۸۶۸م. کاربرد این معنا محدود است).
 - ۵- آنچه مالک خود را بشناساند، مانند کارت شناسایی (از سال ۱۹۰۰م).
- در فرهنگ های معاصر زبان انگلیسی نیز معانی بسیاری برای تعریف واژه هویت آورده شده است. در فرهنگ وبستر (۱۹۸۸: ۵۹۷) در برابر واژه « Identity » چهار معنی اصلی ذکر شده است:
- ۱- (الف) همانندی و تشابه ویژگی و خصیصه اساسی یا کلی در موارد مختلف (شباهت)، (ب) همانندی و تشابه در همه آن چیزی که تشکیل دهنده واقعیت عینی شیئی است (کیفیت، حالت و حقیقت یکی بودن)
 - ۲- ویژگی یا شخصیت متمایز کننده فرد (فردیت)
 - ۳- حالتی از همانندی و تشابه با چیزی بیان شده یا ادعا شده
 - ۴- معادله ای که برای همه مقادیر نمادها جوابگو است.
- در فرهنگ آکسفورد ۱۹۸۹: ۶۲۰ نیز دو دسته معنی در تعریف واژه هویت آورده شده است:
- ۱- (الف) کیفیت یا شرایط (وضعیت) یکسان (همان) بودن در مواد، ترکیب، طبیعت، خصوصیات یا در کیفیات ویژه، (ب) یک سانی مطلق و اساسی، (ج) یکی بودن، یگانگی.
 - ۲- (الف) همانندی و تشابه شخصی یا چیزی در همه زمانها یا در همه شرایط و اوضاع، (ب) وضعیت یا واقعیتهای که یک شخص یا چیزی خودش باشد و نه چیز دیگر، (ج) فردیت، شخصیت، وجود شخصی و فردی، خود همان چیز بودن، (د) شرایط شناخته شدن در احساسات و علایق. (و) در حوزه منطق: قانون یا اصل اتخاذ، اصلی که در قضیه (این همانی) بیان می شود، همان A است.
- (بهزادپور، ۱۳۸۷: ۲۰)

گرچه اکثریت قریب به اتفاق نظریه پردازان هویت بر سر دو معنای (۱- همسانی و یکنواختی مطلق؛ ۲- تمایز که دربرگیرنده ثبات یا تداوم در طول زمان) آن اتفاق نظر دارند، ولی هنوز به توافقی درباره کاربرد آن معانی نرسیده‌اند. بیشتر روان‌شناسان و نظریه‌پردازان شخصیت هویت را در درجه نخست امری فردی و شخصی می‌دانند و معتقدند که دو معنا و جنبه اصلی هویت به ویژگی- های شخصیتی و احساس فرد معطوف هستند. البته اکثر این دسته از نظریه‌پردازان، هویت اجتماعی را انکار نمی‌کنند، بلکه این دو نوع هویت عبارت است از « احساس تمایز شخصی، احساس تداوم شخصی و احساس استقلال شخصی ».

ولی روان‌شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان می‌خواهند بر این واقعیت تأکید کنند که احساس هویت فردی به واسطه دیالکتیک میان فرد و جامعه شکل می‌گیرد. آن‌ها کم‌وبیش می‌پذیرند که هویت معمولاً در نگرش‌ها و احساسات افراد نمود می‌یابد، ولی بستر شکل‌گیری آن زندگی جمعی است. هویت اجتماعی نمود یافته در شخصیت، جدا از دنیای اجتماعی دیگر افراد معنایی ندارد. فردا بی‌همتا و متغیر هستند، ولی شخصیت کاملاً به صورت اجتماعی و به واسطه مراحل مختلف اجتماعی شدن و اندر کنش اجتماعی ساخته می‌شود. (بهزادفر، ۱۳۸۵: ۲۲۲)

۱-۲- مفهوم هویت از دیدگاه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی:

مفهوم هویت در روان‌شناسی با نام « اریکسون » در هم آمیخته است. به نظر اریکسون، هویت خود، انگاره‌ای است که در طی نوجوانی شکل می‌گیرد و افکار خود را در باره این کیست و چه کسی می‌خواهد باشد، با یکدیگر تلفیق می‌کند. وی معتقد است هر فرد در طول حیات خود هشت مرحله متوالی که سراسر گستره زندگی‌اش را در بر می‌گیرد، طی می‌کند که خلال آن باید با بحران- هایی به طور جداگانه یا ناسازگار کنار بیاید. بحران نقطه عطفی است در هر مرحله رشد که فرد باید با آن مواجه شود. یکی از مهم‌ترین بحران‌ها، بحران هویت است که در دوره نوجوانی عارض فرد می‌شود. وی بحران هویت را ناتوانی در دستیابی هویت خود که در نوجوانی پدیدار می‌شود، تعریف می‌کند. اریکسون به تأثیر فرهنگ، اجتماع و تاریخ بر شکل‌گیری کل شخصیت معتقد بود. در جامعه‌شناسی نیز، مقوله هویت به عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی و خصوصیات افراد و گروه- های اجتماعی از جایگاه بااهمیتی برخوردار است و دیدگاه و نظریه‌های مختلفی در مورد آن ارائه شده است.

با توجه به چنین تعریفی می‌توان هویت اجتماعی را نوعی خودشناسی فرد در رابطه با دیگران دانست. این فرایند مشخص می‌کند که شخص از لحاظ روان‌شناختی و اجتماعی کیست و چه جایگاهی دارد. به بیان دیگر فرایند هویت‌سازی این امکان را برای یک کنش‌گر اجتماعی فراهم می‌کند که برای پرسش‌های بنیادی معطوف به کیستی و چیستی خود پاسخی مناسب و قانع‌کننده پیدا کند. در واقع هویت معطوف به است به بازشناسی مرز میان خودی و بیگانه که عمدتاً از طریق همجنسی‌های اجتماعی و انفکاک درون‌گروه از برون‌گروه‌ها ممکن می‌شود. اهمیت تمایزها، تنش‌ها و ستیزهای گروهی، حتی شرایط نبود تضاد منافع، از جنبه هویت‌ناشی می‌شود. پس این مفهوم ضرورتاً با دو متضاد تعریف می‌شود: همسانی و تفاوت. این ادعا که چیزی یا فردی هویت ویژه‌ای دارد، بدین معناست که این چیز یا فرد مانند دیگر وجودهای دارای آن هویت است و در عین حال چونان چیز یا فردی متمایز، هویت و خاصیتی دارد.

به بیان روشن‌تر هویت یعنی کیفیت یکسان بودن در ذات، ترکیب و ماهیت و نیز یکسان بودن در هر زمان و همه شرایط. در هر حال هویت داشتن یعنی یگانه بودن، ولی از دو جنبه متفاوت: همانند دیگران بودن در طبقه خود و همانند خود بودن در گذر زمان.

هویت اجتماعی نه تنها ارتباط اجتماعی را امکان‌پذیر می‌کند، بلکه به زندگی افراد هم معنا می‌دهد. هویت نه تنها فرایندی برای خودشناسی کنش‌گران اجتماعی است، بلکه معناسازی نیز به واسطه آن صورت می‌گیرد. از این رو برخی نظریه پردازان در تعریف و مفهوم‌بندی هویت بر این کارویژه تأکید می‌کنند. مثلاً مانوئل کاستل هویت را همچون « فرایند ساخته شدن معنا بر پایه یک ویژگی فرهنگی یا یک دسته ویژگی‌های فرهنگی که بر دیگر منابع برتری دارند»، تعریف می‌کند. به نظر او همان گونه که نقش‌ها کارویژه‌ها را سازمان می‌دهند، هویت‌ها هم معنا را سازمان می‌دهند.

معناساز بودن هویت بر ساختگی بودن آن دلالت می‌کند. معنا خاصیت ذاتی واژه‌ها و اشیاء نیست، بلکه همیشه نتیجه توافق یا عدم توافق است. بنابراین معنا می‌تواند موضوع قرارداد باشد و بر سر آن به مذاکره و گفت‌وگو نشست. پس هویت نیز چیزی طبیعی، ذاتی و از پیش موجود نیست، بلکه همیشه باید ساخته شود. انسان‌ها باید همواره چیزها یا اشخاص را طبقه‌بندی کنند و خود را داخل آن طبقه قرار دهند. به بیان دیگر هویت را فقط می‌توان از طریق انکار آگاهانه ابهام و کنارگذاشتن تفاوت‌ها کسب کرد.

بر خلاف دیدگاه ساختارگرایانی که می‌کوشند هویت را امری طبیعی و ثابت نشان دهند، باید گفت که هویت امری تاریخی و محتمل است. این پدیده همانند بسیاری چیزهای دیگر، محصول « زمان و تصادف» است و توسط منطق یا اصلی فراتر تاریخی تعیین نمی‌شود. همین تاریخی بودن بر

این امر دلالت می کند که هویت و معنا تغییر پذیر است و در این حوزه هیچ بستار طبیعی وجود ندارد. این بستار و مرز را صرفاً باید ایجاد کرد تا به هویتی هرچند موقتی دست یافت.

۲-۲- تشخیص، مهم ترین شرط هویت مندی

از آنجا که هویت - با تعاریف ارائه شده- اعتبار خود را از تشخیص می گیرد، مهم ترین شرط هویت مندی قابل تشخیص بودن است. بر این اساس، نخستین گام در راه تشخیص هویت، امکان بازشناسی پدیده بر اساس شباهت های آن با پدیده های هم سنخ و تفاوت هایش با پدیده های غیر هم سنخ در ذهن است. در واقع، واژه بازشناسی تنها به معنای شناسایی اشیاء نیست، بلکه تجربه معنا و مفهوم آن نیز هست.

اگر بازشناسی پدیده ای میسر نگردد، آنگاه فرآیند تشخیص هویت نمی تواند ادامه یابد. بدون عوامل بازشناسی، پدیده قابلیت انطباق را با تصویر ذهنی مورد نظر از دست داده و دیگر نمی تواند ابتدایی ترین توقعاتی را که از آن می رود، برآورده سازد. تداوم در برآورده شدن توقعات موضوعی که از پدیده مورد نظر و همه پدیده های هم سنخ آن انتظار می رود پاسخگویی، به معنی فراهم آمدن امکان بازشناسی و دستیابی به راهکارهای عملی برای قرار گرفتن در مسیر احراز و تثبیت هویت است.

به طور کلی می توان گفت اگر بازشناسی و برآورده شدن توقعات موضوعی شرط عام برای هویت مندی یک پدیده است، تشخیص و پاسخگویی به توقعات موضعی نیز شرط خاص برای احراز و تثبیت هویت به شمار می آید. این دو در کنار یکدیگر و با برقراری رابطه ای متعادل قادر به هویت بخشی به یک پدیده هست و توجه بیش از حد به هر یک منجر به عدم توارن و اختلال در امر احراز هویت به واسطه شباهت یافتن پدیده ها یا رواج اغتشاش در میان آنها می شود. (بهزادپور، ۱۳۸۷: ۲۳)

فرهنگ

بی گمان فرهنگ را باید مهم ترین و غنی ترین منبع هویت دانست. افراد و گروه ها همواره با توسل به اجزا و عناصر فرهنگی گوناگون هویت می یابند، زیرا این اجزا و عناصر توانایی چشم گیری در تأمین نیاز انسان ها به متمایز بودن و ادغام شدن در جمع دارند. به بیان دیگر فرهنگ هم تفاوت آفرین است هم انسجام بخش.